

شماره ۳۳۳
سال نو مبارک

سال بیست و هفتم / شماره ۳۳۳
۱۳۹۵
۴۰۰۰ تومان
عکاس
AKIS
Mar & Apr 2015

• دادانیسم و فتومونتاژ
• یک دهه عکاسی مستند اجتماعی در مشهد
• گفت و گویی با مهدی وثوق نیا
• دیستویای انزلی و مکان نگاری انتقادی
• رویدادهای عکاسی ایران و جهان

و...

• دوسالانه چیست؟
• عکاسان درباره سیزدهمین
• دوسالانه عکس چه می گویند؟
• عکس هایی از دوسالانه عکس ایران
• گفت و گویی با محمد مترجم زاده

دوسالانه چیست و چه چیز می تواند باشد؟

که به دلیل فضای حاکم در خصوص مدیریت گالری‌ها، روابط موجود، و خطر نکردن صاحبان گالری در مورد بسیاری از هنرمندان به ویژه هنرمندان کمتر شناخته شده و همچنین تعداد زیاد هنرمندان، بسیاری از آن‌ها در طول دو سال شانس حضور و نمایش آثارشان در گالری‌ها را نخواهند یافت. ۲. در رابطه با صاحب نظران و کارشناسان هنری همه وقت بر سر گزینش و تشخیص صاحب نظران اختلاف سلیقه‌ای بسیاری بوده است، و فضای نقد هنری در این کشور از سکون و رکود خاصی برخوردار است و در این خصوص کمتر می‌توان به منتقدان هنری تکیه کرد. ۳. نمایشگاه گردانی در ایران که مدت بسیار کوتاهی از عمر آن می‌گذرد باز هم برداشتی نادرست از الگوی جهانی آن است. نمایشگاه‌گردان در ایران اغلب بر اساس هیچ یک از پارامترهای استاندارد شده در جهان هنر عمل نمی‌کند. او در بیشتر موارد بر اساس سه عامل دست به انتخاب آثار می‌زند:

۱-۳- او ابتدا می‌رود به سراغ هنرمندانی که ذکر نامشان در دیباچهٔ بیانیهٔ نمایشگاه بر اعتبار آن می‌افزاید فارغ از اینکه در دو سال اخیر جریان و اتفاقی هنری توسط این هنرمندان نامی و معتبر رقم خورده است یا نه، اصلاً اثری تولید کرده‌اند یا نه (افتخاری‌ها).

۲-۳- دانشجویان، هنرجویان، دستیاران، اطرافیان و در مجموع هر آن کس که به نمایشگاه‌گردان نزدیک تر و در دسترس تر باشد، نه هر کس که جریانی نو و با کیفیتی را در دو سال گذشته با آثارش ایجاد و دنبال کرده است، و اگر آثار هنرمندی توسط این نمایشگاه‌گردان رصد نشده باشد شانس حضور او در رخدادها و دوسالانه‌های هنری به حداقل می‌رسد (دم پرها).

۳-۳- هنرپیشه‌هایی که سودای عکاس شدن هم دارند، آنها اغلب از سوی نمایشگاه‌گردان برای حضور در نمایشگاه دعوت می‌شوند، به چند دلیل:

۱-۳-۳- حضور آنها موجب پوشش رسانه‌ای هرچه گسترده‌تر و نیرومند تر می‌شود.

۲-۳-۳- حضور مخاطبان در محل نمایش آثار به بهانهٔ حضور هنریگان دوستدار عکاسی بیشتر و وسیع‌تر می‌شود و به نوعی حضور مخاطبان آثار با وجود آنها تضمین می‌شود.

۳-۳-۳- در مجموع نمایشگاه با وجود آنها خوش‌رنگ‌تر می‌شود (شو من‌ها). این در حالی است که یک نمایشگاه‌گردان در عصر رسانه‌های نوین نه تنها باید هنرمندان را از طریق نمایش آثارشان در گالری‌ها و در مجموع اتفاقات هنری دنبال کند بلکه باید از طریق خروجی‌های دیگری همچون وبسایت‌های شخصی و غیر شخصی، فتوبلاگ‌ها، سایت‌ها اعم از خبری و غیر خبری و همچنین شبکه‌های مجازی اجتماعی دنبال کند و سپس دست به گزینش بزند، اما نقطهٔ عطف داستان اینجا است که اغلب نمایشگاه‌گردان‌ها با حالتی غرور آمیز ابراز می‌کنند که خیلی علاقه‌ای به برقراری ارتباط با نت و دنیای مجازی ندارند. مگر می‌شود کسی داعیهٔ طراحی، برنامه‌ریزی و اجرای نمایشگاهی را داشته باشد، دست به انتخاب هنرمند و آثارش بزند اما از جهان مجازی فاصله بگیرد و هنرمندان و آثارشان را در این جهان وسیع و نوباوه دنبال نکند این در صورتی است که در جهان هنر نمایشگاه‌گردان‌ها هر لحظه به دنبال کشف، معرفی و شناساندن هنرمندان جوان و جدید به دنیای هنر هستند البته همهٔ کاستی‌ها را نباید از آن نمایشگاه‌گردان دانست. در ایران هم به دلیل تنوع و کثرت هنرمندان، آثار هنری و پروژه‌های متنوع و هم عدم اتکا به سبک، نیاز به داشتن نمایشگاه‌گردان احساس می‌شود، اما عواملی همچون عدم حمایت‌های دولتی و خصوصی، عدم درآمد زایی برای نمایشگاه‌گردان، عدم ارائهٔ موزه‌های هنر، نبود آرشیوهای معتبر هنری، فضای محدود گالری‌ها، نبود نگاه تاریخ هنری (به دلیل نداشتن تاریخ هنر مدون)، ناهمخوانی شکل هنر با ساختارهای

دوسالانه‌ها در ایران همیشه یک رخداد قابل توجه و مهم بصری محسوب می‌شوند و رسانه‌های خبری و غیر خبری، نشریه‌ها و سایت‌های تخصصی هنری بر دوسالانه‌ها متمرکز هستند.

اما چرا دوسالانه‌ها تا این اندازه اهمیت پیدا کرده‌اند؟ چرا همیشه زیر ذره‌بین نقد قرار گرفته‌اند؟ اصلاً ماهیت دوسالانه‌ها در ایران چیست؟ و تا چه اندازه با استانداردهای جهانی مطابقت دارد؟ سهم دولت در برگزاری دوسالانه‌ها چقدر است؟ بخش‌های خصوصی چه اندازه از رخدادهای هنری حمایت می‌کنند؟ در اینجا سعی خواهیم کرد تا اندازه‌ای به این پرسش‌ها پاسخ مناسبی بدهیم.

دوسالانه چیست:

دوسالانه (بی‌نیال) یک اتفاق هنری است که در هر دو سال یک بار رخ می‌دهد. رخدادی است که در آن به جریان فکری و آثار هنرمند در دوسال - فصل دوسالانه - می‌پردازند. رویکرد اصلی دوسالانه‌های هنری در سراسر دنیا بررسی جریان‌های هنری در مجامع مختلف است تا بتواند بستری برای نقد و نظرهای منتقدان هنری باشد؛ زیرا شکل‌گیری بی‌نیال‌های هنری هم‌زمان با باز شدن فضاهای آکادمیک هنر و نقدهای هنری بود، تا بتواند جریان‌های هنری را بررسی و به تولید اندیشه در فضاهای هنری بپردازد. این اساس شکل‌گیری دوسالانه‌ها است. انتخاب هنرمندان برای نمایش آثارشان در دوسالانه‌ها اغلب بر اساس نمایش آثار ایشان در گالری‌ها، خراجی‌ها، جشنواره‌ها و غیره صورت می‌گیرد و همچنین از طریق دنبال کردن آثار ایشان در وبسایت‌های شخصی و غیر شخصی و انتشار آن‌ها در نشریه‌های تخصصی و نقد آثارشان، بازیابی می‌شود و در نهایت برای حضور در دوسالانه‌ها از سوی صاحبان نظر و انتخاب، برگزیده می‌شوند. اما این مسئله در ایران به گونه‌ای دیگر است، زیرا این دوسالانه‌ها، به صورت دولتی برپا می‌شوند تا مدیران در پی ارائهٔ بیلان‌های کاری باشند. جدا از این مسئله هرگز نقد هنری در فضای جامعه هنری ایران پای نگرفت و بر همین اساس دوسالانه‌های هنری نتوانستند مکانی برای تولید اندیشه باشند؛ اگر چه از دل این دوسالانه‌ها هنرمندان جوانی به جامعهٔ هنری معرفی شدند که نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت.

اما اگر هیأت انتخاب و داوری از دوسالانه‌های ایرانی حذف شود چه اتفاقی می‌افتد:

در طول این سال‌ها اغلب آثار برای نمایش در دوسالانه‌ها - چه رقابتی و چه غیر رقابتی - از طریق یک هیأت انتخاب و داوری گزینش می‌شدند. که مسأله‌ای رقابتی بودن دوسالانه‌ها نیز محل بحث است، اگر دوسالانه محفلی برای نمایش مسیر طی شده‌ی یکی از شاخه‌های هنر در طول دو سال توسط هنرمندان است پس رقابت دیگر در اینجا محلی از اعراب نخواهد داشت. البته در سیزدهمین دوسالانهٔ عکس ایران به درستی به این مسئله توجه شده بود و جنبه‌ی رقابتی نداشت. در دوسالانه‌های هنری معتبر جهان معرفی هنرمندان و آثارشان بدون وجود گروه داوری و اغلب از سوی تعدادی گالری‌دار، صاحب‌نظران، کارشناسان و منتقدان هنری یا نمایشگاه‌گردان‌ها (کیوریتورها) صورت می‌پذیرد. اما اگر هیأت انتخاب و داوری از دوسالانه‌های ایرانی حذف شود واقعاً چه اتفاقی می‌افتد؟ در اینجا لازم است مواردی شرح داده شود: ۱. اگر صاحبان گالری دست به انتخاب آثار و یا معرفی هنرمندان بزنند؛ با اطمینان می‌توان گفت

دیگر اگر دوسالانه عکسهای در سطح خاورمیانه یا قاره آسیا برگزار شود چه بسا مفید فایده باشد. در این صورت شاید شاهد کیفیت و دقت بالایی در شکل برگزاری آن نسبت به شکل بین‌المللی آن باشیم.

موزه ای شدن دوسالانه‌ها

در دیای وسیع هنر یک هنرمند جوان ابتدا آثارش را در گالری‌ها و مکان‌های خصوصی به نمایش می‌گذارد و پس از گذشت سال‌ها که از حضور یک هنرمند در عرصه هنری می‌گذرد او این امکان را می‌یابد که آثارش در یک مکان دولتی مانند موزه به نمایش گذاشته شود. در واقع حضور و راهپایی آثار هنری به مکان‌های دولتی برای یک هنرمند امتیاز محسوب می‌شود. اما در ایران کاملاً عکس این قضیه اتفاق می‌افتد یک هنرمند جوان در آغاز راه به دلایلی که پیش‌تر ذکر شد اغلب امکان نمایش آثارش را در گالری‌ها نمی‌یابد در واقع گالری‌دارها در مورد هنرمندان جوان خطر نمی‌کنند، پس او آثارش را ناگزیر در مراکز و مکان‌های دولتی مثل فرهنگسراها، سالن‌های امنی تئاتر از کان‌های دولتی و غیره به نمایش می‌گذارد. زمانی بعد پس از اینکه یک هنرمند حرفه‌ای شد امکان این را می‌یابد که آثارش در گالری‌ها حضور پیدا کند.

نخستین نمایشگاه سالانه عکس ایران با موضوع آزاد در دی ماه سال ۶۶ در موزه‌های معاصر تهران افتتاح شده بود علاوه بر آن نه سال بعد در شهریور سال ۷۵ نیز هفتمین دوسالانه عکس ایران در موزه برگزار شد (حداً موسوی روزنامه ایران) با توجه به اینکه موزه محل نمایش آثار موزایی و گنجینه‌هاست نه یک رخدادهای هنری عمومی و فراخوانی امثال نیز برای سومین بار دوسالانه عکس سیزدهم در موزه‌های معاصر برگزار شد البته این مسئله در جایی که هم‌اکنون یک رویناد هنری به شکل حد درستی زیر اختیار یک ارگان دولتی است برگزاری آن نیز در یک مکان کاملاً دولتی نباید خیلی عجیب به نظر برسد.

نشست‌های نشست‌ها

در این دوره تصمیم گرفته شده بود به همراه برگزاری دوسالانه نشست‌هایی در پنج روز متوالی هر روز در دو نوبت و با حضور پنجاه سخنران برگزار شود. ظاهر این آغاز و ارقام نشان از حجم کارشناس‌ها دارد پنجاه کارشناس در پنج روز، یعنی ده کارشناس در هر روز و به عبارتی پنج کارشناس در هر نوبت نشست قرار بر این بود پنج کارشناس در حداکثر یک ساعت و سی دقیقه بحثی را آغاز کنند، توصیف کنند، تجزیه و تحلیل کنند و در نهایت نتیجه گیری کنند. خوب این شدنی نیست و واقعاً در نشست‌های برگزار شده در سیزدهمین دوسالانه شدنی نبود و نشست بحثی آغاز می‌شد تا حدی توصیف می‌شد اما هرگز به مرحله تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری نمی‌رسید. اغلب مباحث در این نشست‌ها آتش ماند و نیاز به وجود جلسات بعدی احساس می‌شد. شاید بهتر این بود تعداد کارشناسان با مباحث مطرح شده و همچنین زمان در نظر گرفته شده متناسب می‌بود تا در نتیجه مخاطب این نشست‌ها نیز با رضایت و دست بر این جلسات را ترک می‌کرد.

نتایج

اینکه دوسالانه‌ها در ایران با دوسالانه‌ها در دیگر کشورها تفاوت بسیار دارد کاملاً روشن است. اما وجود این رخدادهای هنری با توجه به تمام گسسته‌هایش برای هنر ایران غنیمت است. ولی اگر هنر همچنان در این مسیر نادراست و بی‌قاعده ادامه یابد این راه به جایی نخواهد رسید مگر در صورتی که طراحان و اجرایی این رویدادها به آشنایی سهرده شود تا پس از گذر زمانی نه کوتاه راه رشد هنر ایران به مدد نیروی علم و تدبیر اهالی هنر روشن و فروزان شود. در غیر این صورت تا زمانی که عنوان هنر در دست دولت و مجلس است هنر در حجم انبوه اما با کیفیت بسیار پایین در نقطه‌ای گور خواهد ماند و هیچگاه بنایی‌اش را باز نخواهد یافت.

منابع

- سایت گالری معاصر • خبرگزاری مهر • مجله پله • روزنامه ایران • شماره ۵۸۴ • ۱۳۸۲/۱/۲۹

محمدا

اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی این تخصص در بیشتر موارد به شکل ظاهری و تزیینی باقی می‌ماند (مجله پله، ۱۳۸۲).

دوسالانه‌های پیشین:

سیزده نمایشگاه هر کدام با استدلال و منطق‌های زمانه خود ارائه شده‌اند. گاهی در حد یک مسابقه و جشنواره گاهی با نگاه بین‌المللی. گاهی با انصراف بر ملی بودن، گاهی بدون چاپ کتاب گاه با کتاب نفیس، گاهی سرفه‌جویانه و گاهی دست و دل‌پخته گاهی در نهایت خست‌خستگی از آن دفاع کرده‌اند و گروهی بر آن خرده گرفته‌اند (اسماعیل عباسی- دبیر سیزدهمین دوسالانه عکس ایران، سایت آکادمی هنرهای معاصر).

دبیر رخدادهای این چنینی و مستمر بهتر است برای مدتی پنج ساله و یا ده ساله انتخاب شود. در اکثر کشورها نیز دبیر برای مدت چند سال به این سمت منصوب می‌شود؛ به چند دلیل: ۱. استحکام و یکپارچگی در برگزاری دوره‌های مختلف یک رویداد. ۲. بهره بردن از تجربیات دبیر در طول چند دوره.

در این سیزده دوره دوسالانه عکس، دبیر آن در هر دوره تغییر کرده است به جز در مورد چند دبیر مانند اسماعیل عباسی که دوره‌های یازدهم، دوازدهم و سیزدهم این مسئولیت را بر عهده داشته است و همین‌طور علی سیل‌نظم که دبیر دوره‌های اول دوسالانه عکس بوده است.

دوسالانه دولتی یا خصوصی:

در اغلب اتفاقات هنری در ایران مانند جشنواره‌ها و دوسالانه‌ها دولت نام‌الاختیار است و تمام امور را از صدر تا ذیل رصد می‌کند و عین امور را کاملاً به دست گرفته است. این در حالی است که این امور هنری در دیگر نقاط جهان یا کاملاً به بخش‌های خصوصی سپرده می‌شود و یا اینکه دولت درصد کمی سهم دارد. در یکی از معتبرترین بی‌نال‌های جهان، بی‌نال هونیوز ۸۰ دولت سهم کمی دارد، به گونه‌ای که در آن ۲۰ درصد بودجه بی‌نال را طریق اسپانسرهای خصوصی تأمین می‌شود، ۲۰ درصد از درآمدهای خود نمایشگاه ۲۰ درصد از سهم عمومی و ۱۰ درصد از افزایش سرمایه بی‌نال به دست می‌آید.

امسال برای اولین بار برگزاری دوسالانه عکس ایران به انجمن عکاسان سپرده شد و عکاسان، عهدمدار امور تخصصی خود شدند اما تا زمانی که بودجه مالی چنین برنامه‌هایی در اختیار مرکز هنرهای تجسمی و دولت است عملاً انجمن‌ها نمی‌توانند به صورت مستقل دوسالانه‌هایشان را برگزار کنند. سیزدهمین دوسالانه عکس ایران با وجود آنکه به انجمن سپرده شده اما هنوز این نامه مدیریتی برای اجرای آن پیش‌بینی نشده است (مسعود زندمروح کرمانی، رئیس هیأت مدیره انجمن عکاسان ایران، خبرگزاری مهر).

دوسالانه ملی یا بین‌المللی:

سیزدهمین دوسالانه عکس ایران در سطح ملی برگزار شد اما در سال‌های گذشته در دوره‌هایی سابقه برگزاری در سطح بین‌المللی را داشته است. در شهریور سال ۷۵ هفتمین دوسالانه عکس به صورت بین‌المللی برگزار شد که ۵۹ کشور در این رویداد حضور داشتند. دوسالانه هشتم نیز در سال ۷۷ به دبیری مجتبی آقاچی در سطح بین‌المللی با حضور ۵۹ کشور برگزار شد.

رویکرد ملی یا بین‌المللی دوسالانه بهتر است مشخص شود در اینجا باید به چند مورد بپردازیم: ۱. تا زمانی که اتفاقات هنری دولتی است ما شاهد این ناموفق‌ها خواهیم بود چرا که هر بار با تغییر مدیریت‌های دولتی هنر مدیران اجرایی مراکز دولتی نیز تغییر می‌کند و بیرو آن، سلاطین (بین‌نامه‌ها و بودجه‌های تخصصی یافته تغییر پیدا خواهد کرد و همین مسئله برگزاری رخدادهایی در موضوع یک‌گانه اما در شیوهی اجرا متنوع و رنگارنگ را موجب می‌شود. ۲. بین‌المللی بودن یک جریان هنری لزوماً امتیاز محسوب نمی‌شود چرا که بیشتر اتفاقات هنری که در دهه گذشته در ایران با عنوان بین‌المللی رخ داده است در اصل بین‌المللی نبودند. حضور کشورهای دیگر جهان محدود تعدادی که با کیفیت چه بسا ناآل بوده است. پس اگر رخدادهای تنها در سطح ملی برگزار شود اما بسیار گسترده حرفه‌ای و متناسب با رها بهتر از رویدادهای بین‌المللی اما غیر حرفه‌ای است از سویی

دوسالانه چیست و چه چیز می‌تواند باشد

سارا ساسانی

کاردانی عکاسی- دانشکده‌ی خبر/ کارشناسی جامعه‌شناسی- دانشگاه آزاد واحد تهران شمال

کارشناسی ارشد پژوهش هنر- دانشگاه آزاد اسلامی- واحد تهران مرکزی- دانشکده‌ی هنر و معماری

info@sarasasani.com

مقدمه:

دوسالانه‌ها در ایران همیشه یک رخداد قابل توجه و مهم بصری محسوب می‌شوند و رسانه‌های خبری و غیر خبری، نشریات و سایت‌های تخصصی هنری بر دوسالانه‌ها متمرکز هستند.

اما چرا دوسالانه‌ها تا این اندازه اهمیت پیدا کرده‌اند؟ چرا همیشه زیر ذره بین نقد قرار گرفته‌اند؟ اصلاً ماهیت دوسالانه‌ها در ایران چیست؟ و تا چه اندازه با استانداردهای جهانی مطابقت دارد؟ سهم دولت در برگزاری دوسالانه‌ها چقدر است و بخش‌های خصوصی چه اندازه از رخدادهای هنری حمایت می‌کنند؟ در اینجا سعی خواهم کرد تا اندازه‌ای به این پرسش‌ها پاسخ مناسبی بدهم.

دوسالانه چیست:

دوسالانه (بی‌ینال) یک اتفاق هنری است که در هر دو سال یک بار رخ می‌دهد. رخدادی است که در آن به جریان فکری و آثار هنرمند در دو سال- فصل دوسالانه- می‌پردازند. رویکرد اصلی بینال‌های هنری در سراسر دنیا، بررسی جریانات هنری در مجامع مختلف است تا بتواند بستری برای نقد و نظرهای منتقدین هنری باشد؛ زیرا شکل‌گیری بینال‌های هنری هم‌زمان با باز شدن فضاهای آکادمیک هنر و نقدهای هنری بود، تا بتواند جریانات هنری را بررسی و به تولید اندیشه در فضاهای هنری بپردازد. این اساس شکل‌گیری دوسالانه‌ها است. انتخاب هنرمندان برای نمایش آثارشان در دوسالانه‌ها اغلب بر اساس نمایش آثار ایشان در گالری‌ها، حراجی‌ها، فستیوال‌ها و غیره صورت می‌گیرد و همچنین از طریق دنبال کردن آثار ایشان در وبسایت‌های شخصی و غیر شخصی و انتشار آنها در نشریات تخصصی و نقد آثارشان، بازیابی می‌شود و در نهایت برای حضور در دوسالانه‌ها از سوی صاحبان نظر و انتخاب، برگزیده می‌شوند. اما

این مسئله در ایران به گونه‌ای دیگر است، زیرا این بینال‌ها، به صورت دولتی برپا می‌شوند تا مدیران در پی ارائه بینال‌های کاری باشند. جدا از این مسئله هرگز نقد هنری در فضای جامعه هنری ایران پای نگرفت و بر همین اساس بینال‌های هنری نتوانستند مکانی برای تولید اندیشه باشند؛ اگرچه از دل این دوسالانه‌ها هنرمندان جوانی به جامعه هنری معرفی شدند که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت.

اما اگر هیأت انتخاب و داوری از دوسالانه‌های ایرانی حذف شود چه اتفاقی می‌افتد:

در طول این سال‌ها اغلب آثار برای نمایش در دوسالانه‌ها- چه رقابتی و چه غیر رقابتی- از طریق یک هیأت انتخاب و داوری گزینش می‌شدند. که مسأله‌ی رقابتی بودن دوسالانه‌ها نیز محل بحث است، اگر دوسالانه محلی برای نمایش مسیر طی شده‌ی یکی از شاخه‌های هنر در طول دو سال توسط هنرمندان است، پس رقابت دیگر در اینجا محلی از اعراب نخواهد داشت. البته در سیزدهمین دوسالانه‌ی عکس ایران به درستی به این مسأله توجه شده بود و جنبه‌ی رقابتی نداشت. در دوسالانه‌های هنری معتبر جهان معرفی هنرمندان و آثارشان بدون وجود گروه داوری و اغلب از سوی تعدادی گالری دار، صاحب نظران، کارشناسان و منتقدان هنری یا نمایشگاه گردان‌ها (کیوریتورها) صورت می‌پذیرد. اما اگر هیأت انتخاب و داوری از دوسالانه‌های ایرانی حذف شود واقعاً چه اتفاقی می‌افتد؟ در اینجا لازم است مواردی شرح داده شود: ۱- اگر صاحبان گالری دست به انتخاب آثار و یا معرفی هنرمندان دست بزنند؛ با اطمینان می‌توان گفت که به دلیل فضای حاکم در خصوص مدیریت گالری‌ها، روابط موجود، و خطر نکردن صاحبان گالری در مورد بسیاری از هنرمندان به ویژه هنرمندان کمتر شناخته شده و همچنین تعداد زیاد هنرمندان، بسیاری از آن‌ها در طول دو سال شانس حضور و نمایش آثارشان در گالری‌ها را نخواهند یافت. ۲- در رابطه با صاحب نظران و کارشناسان هنری همه وقت بر سر گزینش و تشخیص صاحب نظران اختلاف سلیقه‌ی بسیاری بوده است، و فضای نقد هنری در این کشور از سکون و رکود خاصی برخوردار است و در این خصوص کمتر می‌توان به منتقدان هنری تکیه کرد. ۳- نمایشگاه گردانی در ایران که مدت بسیار کوتاهی از عمر آن می‌گذرد باز هم برداشتی نادرست از الگوی جهانی آن است.

نمایشگاه گردان در ایران اغلب بر اساس هیچ یک از پارامترهای استاندارد شده در جهان هنر عمل نمی‌کند. او در بیشتر موارد بر اساس سه عامل دست به انتخاب آثار می‌زند:

۳-۱- او ابتدا می‌رود به سراغ هنرمندانی که ذکر نامشان در دیباچه‌ی بیانیه‌ی نمایشگاه بر اعتبار آن می‌افزاید
فارق از اینکه در دو سال اخیر جریان و اتفاقی هنری توسط این هنرمندان نامی و معتبر رقم خورده است
یا نه، اصلاً اثری تولید کرده اند یا نه (افتخاری‌ها).

۳-۲- دانشجویان، هنرجویان، دستیاران، اطرافیان و در مجموع هر آن کس که به نمایشگاه‌گردان نزدیک
تر و در دسترس تر باشد، نه هر کس که جریانی نو و با کیفیتی را در دو سال گذشته با آثارش ایجاد و
دنبال کرده است، و اگر آثار هنرمندی توسط این نمایشگاه‌گردان رصد نشده باشد شانس حضور او در
رخدادها و دوسالانه‌های هنری به حداقل می‌رسد (دم پرها).

۳-۳- هنرپیشه‌هایی که سودای عکاس شدن هم دارند، آنها اغلب از سوی نمایشگاه‌گردان برای حضور در
نمایشگاه دعوت می‌شوند، به چند دلیل: ۳-۳-۱- حضور آنها موجب پوشش رسانه‌ای هرچه گسترده تر و
نیرومند تر می‌شود. ۳-۳-۲- حضور مخاطبان در محل نمایش آثار به بهانه‌ی حضور هنرپیشگان دوستدار
عکاسی بیشتر و وسیع تر می‌شود و به نوعی حضور مخاطبان آثار با وجود آنها تضمین می‌شود. ۳-۳-۳-
در مجموع نمایشگاه با وجود آنها خوش‌رنگ تر می‌شود (شو من‌ها).

این در حالی است که یک نمایشگاه‌گردان در عصر رسانه‌های نوین نه تنها باید هنرمندان را از طریق
نمایش آثارشان در گالری‌ها و در مجموع اتفاقات هنری دنبال کند بلکه باید از طریق خروجی‌های دیگری
همچون وب‌سایت‌های شخصی و غیر شخصی، فتوبلاگ‌ها، سایت‌ها اعم از خبری و غیر خبری و همچنین
شبکه‌های مجازی اجتماعی دنبال کند و سپس دست به گزینش بزند، اما نقطه‌ی عطف داستان اینجا است
که اغلب نمایشگاه‌گردان‌ها با حالتی غرور آمیز ابراز می‌کنند که خیلی علاقه‌ای به برقراری ارتباط با نت
و دنیای مجازی ندارند. مگر می‌شود کسی داعیه‌ی طراحی، برنامه‌ریزی و اجرا نمایشگاهی را داشته
باشد، دست به انتخاب هنرمند و آثارش بزند اما از جهان مجازی فاصله بگیرد و هنرمندان و آثارشان را
در این جهان وسیع و نوباوه دنبال نکند. این در صورتی است که در جهان هنر نمایشگاه‌گردان‌ها هر لحظه
به دنبال کشف، معرفی و شناساندن هنرمندان جوان و جدید به دنیای هنر هستند. البته همه‌ی کاستی‌ها را
نباید از آن نمایشگاه‌گردان دانست. در ایران هم به دلیل تنوع و کثرت هنرمندان، آثار هنری و پروژه‌های
متنوع و هم عدم اتکا به سبک، نیاز به داشتن نمایشگاه‌گردان احساس می‌شود، اما عواملی همچون عدم
حمایت‌های دولتی و خصوصی، عدم درآمد زایی برای نمایشگاه‌گردان، عدم ارائه‌ی موزه‌ای هنر، نبود
آرشیوهای معتبر هنری، فضای محدود گالری‌ها، نبود نگاه تاریخی هنری (به دلیل نداشتن تاریخ هنر مدون)،

ناهمخوانی شکل هنر با ساختارهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی این تخصص در بیشتر موارد به شکل ظاهری و تزئینی باقی می‌ماند (مجله‌ی پله، ۱۳۹۳).

دوسالانه‌های پیشین:

سیزده نمایشگاه، هر کدام با استدلال و منطق‌های زمانه‌ی خود ارائه شده‌اند. گاهی در حد یک مسابقه و جشنواره، گاهی با نگاه بین‌المللی، گاهی با اصرار بر ملی بودن، گاهی بدون چاپ کتاب گاه با کتاب نفیس، گاهی صرفه جویانه و گاهی دست و دل بازانه. گاهی در نهایت خست عده‌ای از آن دفاع کرده‌اند و گروهی بر آن خرده گرفته‌اند (اسماعیل عباسی، دبیر سیزدهمین دوسالانه‌ی عکس ایران، سایت آکادمی هنرهای معاصر).

دبیر رخدادهای این‌چنینی و مستمر بهتر است برای مدتی پنج ساله و یا ده ساله انتخاب شود، در اکثر کشورها نیز دبیر برای مدت چند سال به این سمت منسوب می‌شود؛ به چند دلیل: ۱- انسجام و یکپارچگی در برگزاری دوره‌های مختلف یک رویداد ۲- بهره بردن از تجربیات دبیر در طول چند دوره.

در این سیزده دوره‌ی دوسالانه‌ی عکس، دبیر آن در هر دوره تغییر کرده است به جز در مورد چند دبیر مانند اسماعیل عباسی که دوره‌های یازدهم، دوازدهم و سیزدهم این مسئولیت را بر عهده داشته است و همین‌طور علی قلمسیاه که دبیر دوره‌های اول دوسالانه‌ی عکس بوده است.

دوسالانه‌ی دولتی یا خصوصی:

در اغلب اتفاقات هنری در ایران مانند جشنواره‌ها و دوسالانه‌ها دولت تام الاختیار است، و تمام امور را از صدر تا ذیل رصد می‌کند و عنان امور را کاملاً به دست گرفته است. این در حالی است که این امور هنری در دیگر نقاط جهان یا کاملاً به بخش‌های خصوصی سپرده می‌شود و یا اینکه دولت درصد کمی سهم دارد. در یکی از معتبرترین بی‌ینال‌های جهان، بی‌ینال "ونیز"، دولت سهم کمی دارد، به گونه‌ای که در آن 30 درصد بودجه بینال از طریق اسپانسر های خصوصی تأمین می‌شود، ۳۰ درصد از درآمدهای خود نمایشگاه، ۳۰ درصد از سهم عمومی، و ۱۰ درصد از افزایش سرمایه بینال به دست می‌آید.

امسال برای اولین بار برگزاری دوسالانه عکس ایران به انجمن عکاسان سپرده شد و عکاسان، عهده‌دار امور تخصصی خود شدند. اما تا زمانی که بودجه مالی چنین برنامه‌هایی در اختیار مرکز هنرهای تجسمی و دولت است، عملاً انجمن‌ها نمی‌توانند به صورت مستقل دوسالانه‌هایشان را برگزار کنند. سیزدهمین دوسالانه عکس ایران با وجود آنکه به انجمن سپرده شده اما هنوز آیین‌نامه‌ی مدیریتی برای اجرای آن پیش‌بینی نشده است. (مسعود زنده روح کرمانی، رئیس هیأت مدیره انجمن عکاسان ایران، خبرگزاری مهر)

دوسالانه‌ی ملی یا بین‌المللی:

سیزدهمین دوسالانه‌ی عکس ایران در سطح ملی برگزار شد اما در سال‌های گذشته در دوره‌هایی سابقه‌ی برگزاری در سطح بین‌المللی را داشته است. در شهریور سال ۷۵، هفتمین دوسالانه عکس به صورت بین‌المللی برگزار شد که ۵۸ کشور در این رویداد حضور داشتند. دوسالانه‌ی هشتم نیز در سال ۷۷ به دبیری مجتبی آقایی در سطح بین‌المللی با حضور ۵۹ کشور برگزار شد.

رویکرد ملی یا بین‌المللی دوسالانه بهتر است مشخص شود، در اینجا باید به چند مورد بپردازیم: ۱- تا زمانی که اتفاقات هنری دولتی است ما شاهد این ناهمگونی‌ها خواهیم بود چرا که هر بار با تغییر مدیریت‌های دولتی هنر مدیران اجرایی مراکز دولتی نیز تغییر می‌کنند و پیرو آن، سلايق، آیین‌نامه‌ها و بودجه‌های تخصیص یافته تغییر پیدا خواهند کرد و همین مسئله برگزاری رخدادهایی، در موضوع یگانه اما در شیوه‌ی اجرا متنوع و رنگارنگ را موجب می‌شود. ۲- بین‌المللی بودن یک جریان هنری لزوماً امتیاز محسوب نمی‌شود چرا که بیشتر اتفاقات هنری که در دهه‌ی گذشته در هر زمینه‌ای- در ایران با عنوان بین‌المللی رخ داده است، در اصل بین‌المللی نبوده‌اند، حضور کشورهای دیگر جهان محدود، با تعدادی کم، با کیفیتی چه بسا نازل بوده است. پس اگر رخدادی در تنها سطحی ملی برگزار شود اما بسیار گسترده، حرفه‌ای و مناسب، بارها بهتر از رویدادی بین‌المللی اما غیر حرفه‌ای است. از سویی دیگر اگر دوسالانه‌ی عکاسی در سطح خاورمیانه یا قاره‌ی آسیا برگزار شود چه بسا مفید فایده باشد، در این صورت شاید شاهد کیفیت و دقت بالایی در شکل برگزاری آن نسبت به شکل بین‌المللی آن باشیم.

موزه‌ای شدن دوسالانه‌ها:

در دنیای وسیع هنر یک هنرمند جوان ابتدا آثارش را در گالری‌ها و مکان‌های خصوصی به نمایش می‌گذارد و پس از گذشت سال‌ها که از حضور یک هنرمند در عرصه‌ی هنری می‌گذرد، او این امکان را می‌یابد که آثارش در یک مکان دولتی مانند موزه به نمایش گذاشته شود. در واقع حضور و راهیابی آثار هنری به مکان‌های دولتی برای یک هنرمند امتیاز محسوب می‌شود. اما در ایران کاملاً عکس این قضیه اتفاق می‌افتد، یک هنرمند جوان در آغاز راه به دلایلی که پیش تر ذکر شد اغلب امکان نمایش آثارش را در گالری‌ها نمی‌یابد در واقع گالری دارها در مورد هنرمندان جوان خطر نمی‌کنند، پس او آثارش را ناگزیر در مراکز و مکان‌های دولتی مثل فرهنگسراها، سالن‌های آمفی تئاتر ارگان‌های دولتی و غیره به نمایش می‌گذارد. و زمانی بعد، پس از اینکه یک هنرمند حرفه‌ای شد امکان این را می‌یابد که آثارش در گالری‌ها حضور پیدا کند.

نخستین نمایشگاه سالانه عکس ایران با موضوع آزاد در دی ماه سال ۶۶ در موزه‌ی هنرهای معاصر تهران افتتاح شده بود. علاوه بر آن نه سال بعد در شهریور سال ۷۵ نیز هفتمین دوسالانه عکس ایران در موزه برگزار شد. (صبا موسوی، روزنامه‌ی ایران) با توجه به اینکه موزه محل نمایش آثار موزه‌ای و گنجینه‌ها است نه یک رخداد هنری عمومی و فراخوانی امسال نیز برای سومین بار دوسالانه‌ی عکس سیزدهم در موزه‌ی هنرهای معاصر برگزار شد. البته این مسئله در جایی که همه‌ی امور یک رویداد هنری به شکل صد درصدی زیر اختیار یک ارگان دولتی است برگزاری آن نیز در یک مکان کاملاً دولتی نباید خیلی عجیب به نظر برسد.

نشست‌های نشست‌ها:

در این دوره تصمیم گرفته شده بود به همراه برگزاری دوسالانه نشست‌هایی در پنج روز متوالی هر روز در دو نوبت و با حضور پنجاه سخنران برگزار شود. ظاهر این آمار و ارقام نشان از حجم‌ی کارشناس‌ها دارد، پنجاه کارشناس در پنج روز، یعنی ده کارشناس در هر روز و به عبارتی پنج کارشناس در هر نوبت نشست. قرار بر این بود پنج کارشناس در حداکثر یک ساعت و سی دقیقه بحثی را آغاز کنند، توصیف کنند، تجزیه و تحلیل کنند و در نهایت نتیجه‌گیری کنند. خوب این شدنی نیست و واقعاً در نشست‌های برگزار شده در سیزدهمین دوسالانه شدنی نبود و نشست بحثی آغاز می‌شد تا حدی توصیف می‌شد اما هرگز به مرحله‌ی تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری نمی‌رسید. اغلب مباحث در این نشست‌ها ابتر ماند و نیاز

به وجود جلسات بعدی احساس می‌شد. شاید بهتر این بود تعداد کارشناسان با مباحث طرح شده و همچنین زمان در نظر گرفته شده متناسب می‌بود تا در نتیجه مخاطب این نشست‌ها نیز با رضایت و دست پر این جلسات را ترک می‌کرد.

نتایج:

اینکه دوسالانه‌ها در ایران با دوسالانه‌ها در دیگر کشورها تفاوت بسیار دارد کاملاً روشن است. اما وجود این رخدادهای هنری با توجه به تمام کاستی‌هایش برای هنر ایران غنیمت است، ولی اگر هنر همچنان در این مسیر نادرست و بی‌قاعده ادامه یابد، این راه به جایی نخواهد رسید، مگر در صورتی که طراحی و اجرای این رویدادها به اهلش سپرده شود تا پس از گذر زمانی نه کوتاه راه رشد هنر ایران به مدد نیروی علم و تدبیر اهالی هنر روشن و فروزان شود. در غیر این صورت تا زمانی که عنان هنر در دست دولت و مجریانش است هنر در حجم انبوه اما با کیفیت بسیار پایین در نقطه‌ای کور خواهد ماند و هیچگاه بینایی‌اش را باز نخواهد یافت.

منابع:

سایت آکادمی هنرهای معاصر، دسترسی:

<http://www.academyca.com/photography-academy-news/79>

خبرگزاری مهر، دسترسی:

<http://www.mehrnews.com/news/2493952/>

مجله پلّه، دسترسی:

<http://www.pellemag.com/?tag>

روزنامه‌ی ایران، شماره‌ی ۵۸۷۰، ۹۳/۱۱/۲۹، صفحه‌ی ۸، دسترسی:

<http://www.magiran.com/npview/asp?ID=3114536>